

جهاد دفاعی از منظر فقهای امامیه با تأکید بر آراء امام خمینی علیه السلام در دفاع مقدس

محمد محسن حیدری*

چکیده

دفاع ملت ایران در جنگ تحمیلی، از نمونه‌های جهاد دفاعی است. امام خمینی علیه السلام به‌عنوان فقیه و مرجع دینی، دفاع مقدس را رهبری کردند. این پژوهش تلاش دارد تا آراء فقهی امام خمینی علیه السلام نسبت به دفاع مقدس را تحلیل و تبیین کند، بر این اساس، احکام و مسائل جهاد دفاعی از دیدگاه فقها بررسی شده است و در ذیل هر یک از مسائل و احکام، آراء فقهی امام خمینی علیه السلام در دفاع مقدس تحلیل و واکاوی شده است. مسائلی نظیر تقدّم دفاع بر سایر واجبات و وجوب دفاع بر همه مسلمانان، از مباحث مطرح شده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و در یافته این پژوهش می‌توان گفت: امام خمینی علیه السلام مباحث فقه الجهاد را عملیاتی کرده‌اند و آراء ایشان در دفاع مقدس کاملاً متقن و مستند است و بر پایه فقه جواهری است و از جهت نظری با آراء مشهور فقهای امامیه تطابق دارد.

کلیدواژه‌ها: جهاد، جهاد دفاعی، دفاع مقدس، جنگ تحمیلی، امام خمینی علیه السلام

۱. مقدمه

فریضة جهاد از دیدگاه الهی دارای جایگاه والایی است و در قرآن کریم آیات فراوانی در اهمیت آن وجود دارد. در روایات نیز از این فریضة به عنوان مایه عزت مسلمانان و دری از درهای بهشت (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۰؛ ج ۱۵: ۱۴) تعبیر شده است. افزون بر این، فریضة جهاد، یکی از فروع دین بوده و مشتمل بر احکام و مسائل فراوانی است، از این رو، مورد توجه فقهای شیعه قرار گرفته و فقها در کتابی مستقل از آن بحث کرده‌اند. بر اساس دیدگاه فقهای امامیه، جهاد دفاعی یکی از اقسام جهاد است.

یکی از مصادیق جهاد دفاعی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود و رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی این نبرد تحمیلی را مدیریت و رهبری کردند. آراء امام خمینی علیه السلام از تفکرات ایشان در حوزه‌هایی همچون عرفان، فلسفه، کلام اسلامی و فقه نشأت گرفته است، از این رو، دفاع مقدس در اندیشه ایشان ماهیتی چند بُعدی دارد و از آنجا که ایشان فقیه و مرجع تقلید جامع‌الشرایط و آگاه به زمان بودند، در تحلیل و تبیین دفاع مقدس و مسائل مرتبط به آن، از نگاه فقه نیز وارد شده‌اند. در پژوهش پیش‌رو، بعد از تبیین ادله و وجوب جهاد دفاعی، مسائل و احکام مرتبط با این جهاد در کتب فقهی شیعه تشریح شده است و در هر یک از مباحث ارائه شده، آراء فقهی امام خمینی در دفاع مقدس نیز بیان شده است.

در تحلیل جهاد دفاعی، مقاله‌ای با عنوان «مبانی فقهی دفاع از سرزمین‌های اسلامی» از سیدجواد ورعی، دیده می‌شود. تمرکز این پژوهش بر تفاوت‌های جهاد ابتدایی و دفاعی است و در بخش دوم سیره فقها در دفاع از سرزمین‌های اسلامی و فتاوی جهاد آنها منعکس شده است. در مقاله «دفاع و جهاد از دیدگاه میرزای قمی و مقایسه آن با آرای فقهی امام خمینی علیه السلام» نیز غلبه مباحث در تشریح زندگی میرزای قمی و فتاوی وی در مسئله جهاد است.

در تحلیل و واکاوی دفاع مقدس از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نیز پژوهش‌هایی به سامان رسیده است؛ مانند کتاب «دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی علیه السلام» نوشته مهدی مرنندی و داود سلیمانی. در این کتاب، بیانات امام خمینی در رابطه با دفاع مقدس جمع‌آوری شده است و فاقد تحلیل فقهی است. مقاله «هستی‌شناسی دفاع مقدس از دیدگاه امام

خمینی علیه السلام» اثر علی کریمی مله؛ مقاله «سیاست دفاعی امام خمینی علیه السلام در دفاع مقدس» از زهرا فروتنی؛ این پژوهش‌ها نیز فاقد رویکرد فقهی است.

قبل از ورود در اصل بحث، مفهوم جهاد در لغت و اصطلاح و اقسام جهاد در کتب فقهای امامیه تبیین می‌شود.

الف) جهاد در لغت و اصطلاح

واژه «جهاد» از جهت لغت، مصدر باب مفاعله، از «جهد» به معنای مشقت و زحمت یا از «جهد» به معنای طاقت و وسع است. بر این اساس، «جهاد» عبارت است از به کار بردن تمام توان و مشقت در مواجهه با دشمن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱۴: ۵). در اصطلاح شرعی عبارت است از بذل جان و مال در راه خدا در نبرد با کافران و شورشگران، یا بذل جان، مال و توان خود در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر آن (صاحب‌جواهر، بی‌تا، ج ۲۱: ۳).

اطلاق جهاد بر جهاد دفاعی، اطلاق حقیقی است؛ گرچه از آن به دفاع نیز تعبیر می‌شود (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴: ۲۸۹؛ صاحب‌جواهر، بی‌تا، ج ۲۱: ۱۵). یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد:

جهاد نزد علما عبارت است از مطلق نبرد برای محکم کردن ارکان دین و حفظ مسلمانان، اعم از اینکه با تهاجم ابتدایی بر مشرکین باشد، یا برای دفع هجوم غیر مسلمین بر مسلمین باشد. پس مفهوم جهاد نزد فقها اختصاص به جهاد ابتدایی ندارد و شاهد بر این ادعا این است که جهاد را به دو قسم تقسیم می‌کنند (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۳۰).

ب) اقسام جهاد در کتب فقهای امامیه

عمده مباحث مطرح شده در کتاب جهاد فقهای امامیه، مربوط به جهاد ابتدایی است و در لابه‌لای مباحث، احکام و مسائل جهاد دفاعی را ذکر کرده‌اند. تقسیم جهاد به جهاد ابتدایی و دفاعی در کتاب‌های فقهی متقدم صریحاً ذکر نشده و غالباً در بیان شرایط جهاد ابتدایی با استثناء کردن جهاد دفاعی از آن شرایط، از این نوع جهاد نام برده‌اند و معمولاً احکام جهاد ابتدایی را به گونه‌ای مبسوط و احکام جهاد دفاعی را به‌طور ضمنی بیان کرده‌اند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۲۴۶؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴-۸؛ همان، ۱۴۰۰: ۲۹۰؛ ابن‌براج، ج ۱: ۲۹۷؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳. محقق حلبی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۰۹).

در دوره‌های بعد، فقهای شیعه با دقت و تأمل بیشتر این دو قسم را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند و به این دو قسم تصریح کرده‌اند (علامه حلبی، بی‌تا، ج ۹: ۱۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۷؛ کاشف الغطاء، بی‌تا،

ج ۴: ۲۸۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۷؛ قمی گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۷۵؛ صاحب‌جواهر، بی‌تا، ج ۲۱: ۱۹؛ عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۱۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۷۸).

از مجموع کلمات فقهای امامیه، تعریف و تبیین جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی به این شرح است:

جهاد ابتدایی عبارت است از این‌که مسلمانان برای دعوت به اسلام به کشورهای کفر و الحاد می‌روند و آنها را به اسلام دعوت می‌کنند. هدف در این جهاد، برداشتن موانع گسترش اسلام و دعوت کفار به اسلام است.

جهاد دفاعی عبارت است از اینکه کشور اسلامی مورد تهاجم قرار می‌گیرد و مسلمانان در برابر تهاجم دشمن، از اسلام و از خود دفاع می‌کنند. هدف در این جهاد حفظ کیان اسلام و حفظ مال، جان و عرض مسلمانان است.

مباحث مرتبط به جهاد در *تحریر الوسیله*، *کشف الاسرار*، و مباحث مرتبط به دفاع مقدس در استفتائات و در بیانات امام خمینی مطرح شده است. امام خمینی رحمته‌الله همچون سایر فقهای امامیه، در کتاب *کشف الاسرار* - از اولین آثار ایشان - در تقسیم جهاد می‌نویسند: «در اسلام دو گونه جنگ است، یکی را جهاد می‌گویند و آن کشورگیری است، با شرطهایی که برای آن شده است و دیگری جنگ برای استقلال کشور و دفع اجانب از آن است» (خمینی، بی‌تا: ۲۲۹).

در کتاب *تحریر الوسیله* نیز، در خاتمه کتاب امر به معروف، تنها به ذکر فصلی در باب دفاع اکتفا کرده‌اند و متعرض احکام جهاد ابتدایی نشده‌اند. ایشان با توجه به گونه‌های تهاجم دشمن به چهار قسم جهاد دفاعی (دفاع سیاسی، دفاع اقتصادی، دفاع فرهنگی، دفاع نظامی) اشاره کرده‌اند و در همه فروع، دفاع را بر مسلمین لازم و واجب دانسته‌اند (همو، بی‌تا، ج ۱: ۴۸۵-۴۸۷).

برای تشریح مباحث جهاد دفاعی از دیدگاه فقهای امامیه و تبیین آراء فقهی امام خمینی رحمته‌الله در دفاع مقدس، بحث را در دو محور سامان داده‌ایم: ۱. دلایل وجوب جهاد دفاعی؛ ۲. مسائل مرتبط به جهاد دفاعی که نه مورد است.

۲. دلایل و وجوب جهاد دفاعی

آنچه بر وجوب جهاد دفاعی دلالت می‌کند - افزون بر دلیل فطرت - ادلهٔ اربعه، یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل است.

الف) کتاب

در بین آیات می‌توان به دو آیه اشاره کرد:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، به سبب آن که به آنان ستم شده، اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست (حج: ۳۹).

آیه تصریح می‌کند که کسی که از جانب مشرکان مورد ظلم قرار گرفته است، در جهاد مأذون است. در شأن نزول آیه آمده است:

آیه نسبت به مهاجرین صادر شده است که اهل مکه آنها را از وطنشان خارج کرده بودند؛ زمانی که مسلمانان قوت پیدا کردند، خداوند آنها را به جهاد امر کرد و برای آنها حق نبرد قرار داد (طوسی، بی تا، ج ۷: ۳۲۰).

استناد به این آیه در مشروعیت و وجوب جهاد دفاعی در آثار برخی از معاصرین دیده می‌شود (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۱؛ ساعدی، ۱۴۳۳: ۶۴).

لَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ؛ اگر خدا [تجاوز] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می‌گرفت (بقره: ۲۵۱).

استناد به این آیه در کتب برخی از فقها به چشم می‌خورد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۱؛ یزدی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۷۴).

ب) سنت

در بین روایات می‌توان به روایت یونس بن عبدالرحمن از امام رضا علیه السلام اشاره کرد:

قُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ بَلَغَهُ أَنَّ رَجُلًا يُعْطِي سَيْفًا وَ قَوْسًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاتَاهُ فَأَخَذَهُمَا مِنْهُ ثُمَّ لَقِيَهُ أَصْحَابُهُ فَأَخْبَرُوهُ أَنَّ السَّبِيلَ مَعَ هَؤُلَاءِ لَا يَجُوزُ وَ أَمْرُهُ بِرَدِّهِمَا قَالَ فَلْيَفْعَلْ قَالَ قَدْ طَلَبَ الرَّجُلُ فَلَمْ يَجِدْهُ وَ قِيلَ لَهُ قَدْ قَضَى الرَّجُلُ قَالَ فَلْيُرَابِطْ وَ لَا يُقَاتِلْ قُلْتُ مِثْلَ قَرْوَيْنِ وَ عَسْقَلَانَ وَ أَلْدَيْمِ ، وَ مَا أَشْبَهَ هَذِهِ الثُّغُورَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَإِنْ جَاءَ الْعَدُوُّ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي هُوَ فِيهِ مُرَابِطٌ كَيْفَ

يَصْنَعُ قَالَ يُقَاتِلُ عَنْ بِيْضَةِ الْاِسْلَامِ قَالَ لَا اِلاَّ اَنْ يَخَافَ عَلٰى دَارِ الْمُسْلِمِيْنَ اَوْ رَأَيْتَكَ لَوْ اَنْ اَلْرُّومُ دَخَلُوْا عَلٰى الْمُسْلِمِيْنَ لَمْ يَنْبَغْ لَهُمْ اَنْ يَمْنَعُوْهُمْ قَالَ يَرٰبِطُ وَاِنْ يُقَاتِلُ وَاِنْ خَافَ عَلٰى بِيْضَةِ الْاِسْلَامِ وَاَلْمُسْلِمِيْنَ قَاتِلٌ فَيَكُوْنُ قِتَالُهُ لِنَفْسِهِ لَا لِلسُّلْطٰنِ لِاَنَّ فِيْ دُرُوْسِ الْاِسْلَامِ دُرُوْسٌ ذَكَرَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۳۰).

روایت درباره مردی است که از حکومت وقت، شمشیر و اسب گرفته و در لشکریان آنها حضور دارد و سپس متوجه می‌شود که جهاد به دستور حاکمان جور، جایز نیست و در صد برگرداندن سلاح‌ها به صاحبانش برمی‌آید و در فرضی که صاحبش را نمی‌یابد، حضرت فرموده‌اند: مرزبانی برای این شخص جایز است؛ اما جهاد و نبرد جایز نیست. سپس راوی از جواز جهاد و نبرد (ابتدایی) پرسش می‌کند. حضرت از این عمل نهی می‌کنند و یک صورت را استثناء می‌کنند و آن در جایی است که از هجوم دشمن بر کودکان و زنان مسلمانان ترسیده شود و با استفهام انکاری فرموده‌اند: اگر لشکریان روم بر مسلمانان هجوم آورند، آیا شایسته نیست مسلمانان مانع هجوم آنها شوند؟ و تأکید کرده‌اند که مرزبانی جایز است؛ اما نبرد (ابتدایی) جایز نیست؛ مگر این که اصل و اساس اسلام در خطر بیفتد، که در این صورت نیز نبرد او برای حفظ خودش و دینش است نه دفاع از سران حکومت. در ادامه فرموده‌اند: چراکه با از بین رفتن اسلام (بنی‌امیه) یاد و نام پیامبر (اسلام حقیقی) نیز از بین می‌رود.

برخی از فقها با بیان این روایت، بر مشروعیت جهاد دفاعی استناد کرده‌اند (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۲).

ج) اجماع

محقق نجفی در مقام تعلیل بر وجوب جهاد دفاعی می‌نویسد:

اگر کفار اراده نابود کردن اسلام و از بین بردن شعائر دین و محو رسالت و شریعت پیامبر را داشته باشند، در وجوب جهاد در این وضعیت هیچ شک و شبهه‌ای نیست...؛ بلکه اجماع محصل و منقول بر وجوب دفاع دلالت می‌کند (صاحب‌جواهر، بی‌تا، ج ۲۱: ۴۷).

بر این اساس، ادعای اجماع در کلمات سایر فقها نیز دیده می‌شود (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۸۸).

سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۱۰۱).

د) عقل

برخی از فقها در تبیین ادله و وجوب جهاد دفاعی، دلیل عقل را این‌گونه تقریب کرده‌اند: عقل، حکم قطعی می‌کند؛ به لزوم قطع آن‌چه که منشأ فساد و افساد جان، آبرو یا مال می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۱۰۱). یکی از محققین در این رابطه می‌نویسد:

از ادله واضح بر مشروعیت جهاد دفاعی؛ بلکه وجوب آن، دلیل عقل است؛ چرا که عقل حکم به وجوب دفع ضرر و خطر مهاجم می‌کند و همین‌طور عقل حکم می‌کند به اینکه در مقابل کسی که به جان، مال یا آبرو یا مقدسات انسان تعرض کرده است، مقابله و برخورد شود و این حکم عقل از اولیات و اهم واجبات است، و عقل، کسی را که توانایی دفاع داشته باشد و آن را ترک کند، به شدیدترین وجه ملامت می‌کند (ساعدی، ۱۴۳۳: ۵۷).

ه) فطرت

لزوم دفاع در وجدان هر موجود با فهم و شعوری یافت می‌شود و احتیاج به آوردن دلیل ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۱۰۱)؛ چراکه دفع دشمن و مانع شدن از صدمه دشمن به زوایای حیات و زندگی انسان مانند جان، آبرو، مال و دین، امری عقلایی است که عقل هر انسانی آن را درک می‌کند؛ بلکه هر موجود صاحب حیاتی آن را حس می‌کند (بزدی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۷۲). پس فطرت هر انسانی بر وجوب دفاع در مقابل تهاجم، دلالت می‌کند و این امر به انسان اختصاص ندارد؛ بلکه در حیوانات هم هست و هنگامی که یک حیوان یا فرزندش مورد هجوم مهاجمی قرار می‌گیرد، از خود دفاع می‌کند.

یکی از معاصرین در این‌باره می‌نویسد:

جهاد دفاعی در مقابل هجوم اجانب و کفار و تسلط آنها بر بلاد مسلمین و فرهنگ و اقتصاد آنها از اوجب واجبات است و تشکیک در آن، تشکیک در حکم کتاب و سنت؛ بلکه حکم عقل و فطرت است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۳).

تأکید امام خمینی بر ماهیت دفاعی جنگ ایران به‌وفور مشاهده می‌شود. ایشان در بیانات متعدد در طول هشت سال جنگ ایران، پدیده تجاوز دشمن را «دفاع» نامیده‌اند و برای تصریح منظور خویش بارها اصطلاح «دفاع مقدس» یا «جنگ تحمیلی» را به کار برده‌اند.

ایشان بر وجوب و لزوم دفاع مقدس، افزون بر فطری بودن آن، به حکم عقل، شرع و وجدان استناد کرده‌اند و آن را تکلیف شرعی، انسانی و ملی آحاد مردم دانسته‌اند. در ادامه به برخی از بیانات ایشان اشاره می‌شود:

این‌که مسلمین از جان و مال و نوامیس خود دفاع کنند، این را، هم خدا و هم عقل و هم شرع اجازه می‌دهد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۴۹۰).

شما می‌دانید که این جنگ به کشور ایران تحمیل شده و ما از کشور خود دفاع می‌کنیم؛ دفاعی که عقلاً و شرعاً واجب است (همان، ج ۱۳: ۲۵۵).

دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است (همان، ج ۱۲: ۱۵۹).

دفاع که یک مسئله عقلی است. یک مسئله‌ای است که حتی حیوانات هم اصلاً وقتی بخواهند حمله کنند، دفاع می‌کنند. دفاع یک مسئله طبیعی است (همان، ج ۱۶: ۳۱۸).

جنگ دفاعی از تکلیف‌های شرعی و وجدانی و انسانی همه است (همان، ج ۱۵: ۴۰۰).

همچنین در تحریر/الوسیلة نیز می‌نویسد:

اگر دشمنی که از حمله او بر اساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس است، شهرهای مسلمین یا مرزهای آنان را مورد هجوم قرار دهد، دفاع از مرزها بر مسلمانان به هر وسیله‌ای که ممکن است؛ ولو با بذل مال و جان، واجب است (همان، بی تا، ج ۱: ۴۸۵).

۳. مسائل مرتبط به جهاد دفاعی

بعد از تبیین ادله وجوب جهاد دفاعی، مسائل و احکام مرتبط به این قسم از جهاد از دیدگاه فقیهان امامیه، تشریح و بازشناسی می‌شود. ماهیت جنگ عراق علیه ایران، نیز از نوع جهاد دفاعی نظامی بود، از این رو آراء فقهی امام خمینی نیز بیان می‌شود.

۳.۱. متعلق دفاع در جهاد دفاعی

در آثار فقه‌های امامیه، آنچه در جهاد دفاعی از آن دفاع می‌شود و در اصطلاح، متعلق دفاع هست، مختلف است:

۱. بسیاری از فقیهان، در تشریح و تبیین جهاد دفاعی، متعلق آن را دفاع از اصل و اساس اسلام قرار داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۰۹؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۹: ۴۸؛ کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴: ۲۸۷؛ صاحب‌جواهر، بی‌تا، ج ۲۱: ۱۴؛ یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۸۶)؛
۲. دفاع از مسلمانان که در حقیقت دفاع از جان، مال و ناموس مسلمانان است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۰؛ کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴: ۲۸۷؛ عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۸۵)؛
۳. دفاع از شهرهای مسلمانان و مملکت و کیان کشور اسلامی (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۷۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۷؛ صاحب‌جواهر، بی‌تا، ج ۲۱: ۴).

در آثار امام خمینی نیز اموری به عنوان متعلق دفاع مقدس شمرده شده است:

۱. حفظ و دفاع از اسلام که در بیانات ایشان بسیار تأکید شده است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۵۰، ۲۸۱، ۲۸۰؛ ج ۱۵: ۲۳۸؛ ج ۲۱: ۸۹) و حفظ نظام اسلام که از نظر امام خمینی، جزء فرایضی است که هیچ فریضه‌ای بالاتر از آن نیست؛
۲. حفظ و دفاع از جمهوری اسلامی که از نظر ایشان از بزرگ‌ترین تکالیف است (همان، ج ۱۷: ۲۲۴، ۴۳۵)؛

۳. دفاع از مملکت و کشور اسلامی (همان، ج ۱۵: ۳۹ و ۱۱۵؛ ج ۱۷: ۴۰۰؛ ج ۲۰: ۸۷)؛

۴. دفاع از جان، مال، ناموس و کشور مسلمانان (همان، ج ۱۳: ۳۴۰؛ ج ۱۵: ۱۱۷؛ ج ۲۰: ۸۷).

۳. ۲. تزامم دفاع با سایر واجبات الهی و تقدّم آن

یکی از مسائلی که حاکی از اهمیت اکید و جوب دفاع است، تقدّم دفاع بر سایر واجبات در صورت تزامم با آنها است. گاهی وجوب دفاع با واجبات دیگر تزامم پیدا می‌کند و در مقام عمل یکی از آن دو قابل امتثال است، در این صورت، حکم به تقدیم دفاع و عدم اتیان واجب دیگر می‌شود؛ مثلاً اگر جهاد دفاعی با فریضه حج تزامم پیدا کند، دفاع مقدم است.

یکی از فقها در این زمینه می‌نویسد:

در صورتی که موسم روانه شدن قافله حج، مدافعه با کفار واجب شود، به این معنی که رفتن حج باعث تعطیل مدافعه می‌شود... ظاهر این است که در اینجا در صورت تعیین، وجوب دفاع را باید مقدم داشت بر حج (قمی گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۹۴).

امام خمینی علیه السلام نسبت به اهمیت دفاع بر سایر فروع دین می‌فرماید: «قضیه جنگ امروز برای همه ما اهمیّتش بیشتر از فروع دین است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۱۵۰).
در ذیل آیه ۲۴ سوره توبه فرموده‌اند:

[در آیه شریفه] بعد از حبّ خدای تعالی و رسول اکرم در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبّه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید... و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم (همان، ج ۲۰: ۳۱۳).

در پاسخ به این استفتا: در چه صورتی شرکت در جهاد بر زیارت بیت الله مقدم است؟ فرموده‌اند: «در مواقعی که اسلام یا بلاد مسلمین در معرض خطر هجوم دشمنان اسلام قرار گیرد و دفاع از آن متوقف بر تأخیر زیارت بیت الله الحرام باشد» (همان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۵۱۶).

۳.۳. تزامم دفاع با محرمات و تقدّم آن

گاهی وجوب جهاد دفاعی با بعضی از محرمات الهی تزامم پیدا می‌کند و در مقام عمل برای دفاع از کیان اسلام، بایستی مرتکب بعضی از محرمات شد. نمونه آن در کتب فقهی بحث «تترس و سپر قرار دادن مسلمان توسط نیروهای مهاجم» ذکر شده است. فقها در معرکه نبرد و در فرض ضرورت و توقف پیروزی بر کشتن مسلمان، آن را اجازه داده‌اند و در وجوب دیه یا کفاره بر قاتل اختلاف است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۸۳؛ علامه حلی، بی تا، ج ۹: ۷۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۶؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۴۵۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۱۲۶؛ خوبی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۷۱).

محقق عراقی در تبیین این حکم می‌نویسد:

اگر بدون کشتن مسلمان، دفاع محقق نمی‌شود، کشتن او واجب است به دلیل اهمیت حفظ اصل و اساس اسلام و مسلمین، اما اگر بدون کشتن مسلمان، دفاع محقق می‌شود، حکم حرمت کشتن مسلمان باقی است و با چیزی تزامم نمی‌کند (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۴۰۵).

نمونه دیگر، اجازه دفاع و جهاد تدافعی در ماه‌های حرام می‌باشد؛ علی‌رغم اینکه جهاد ابتدایی در این ماه‌ها حرام است (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۳؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۰۳؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۸؛ کاشف الغطاء، بی تا، ج ۴: ۲۹۱؛ خوبی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۶۸).

محقق عراقی بعد از بیان حرمت جنگ در ماه‌های حرام و در حرم می‌نویسد:

این حرمت اختصاص به جهاد به معنای اخص (جهاد ابتدایی) دارد، به دلیل انصراف دلیل به این جهاد؛ اما در جهاد دفاعی هر زمان دشمن هجوم ببرد، دفاع واجب است به دلیل اطلاق دلیل وجوب دفاع، افزون بر اینکه حفظ اساس اسلام و مسلمین از احترام زمان و مکان مهم‌تر است (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۲۰).

در استفتاء از امام خمینی آمده است: آیا به قتل رساندن سربازانی که مسلمان‌اند؛ اما بالاجبار یا به صورت‌های دیگر به مسلمانان و کشور اسلامی حمله کرده‌اند، جایز است؟ پاسخ ایشان این‌گونه است: «اگر حمله کردند، دفاع لازم است» (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۴۶). نسبت به نبرد در ماه‌های حرام می‌فرماید: «در جنگ دفاعی هر موقع که دفاع واجب باشد باید بر آن اقدام شود؛ اگرچه در ماه حرام باشد» (همان، ج ۱: ۵۱۶).

نمونه دیگر تزامم دفاع واجب با محرمات و تقدیم دفاع، همکاری با سلطان جائز است؛ در حالی که فقها همکاری با سلطان جائز را حرام دانسته‌اند؛ اما در خصوص جهاد دفاعی در صورتی که دفاع از سرزمین اسلامی توقف در همکاری با وی داشته باشد، آن را اجازه داده‌اند؛ البته بایستی تأیید و تقویت سلطان جائز در نیت و قصد مسلمانان نباشد و قصد دفاع از جان خودشان یا دفاع از اسلام داشته باشد (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۰۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۰؛ قمی گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۷۵؛ صاحب‌جواهر، بی‌تا، ج ۲۱: ۴۷؛ منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۴).

در تمام این موارد، دلیل تقدّم وجوب دفاع بر انجام محرمات، قاعده اهمّ و مهم و فدا کردن مهم برای اهمّ است؛ چراکه اساس اسلام یا جامعه اسلامی یا جان، مال و ناموس مسلمانان در معرض خطر قرار دارد و در این صورت دفاع بر هر امر دیگری تقدّم دارد.

۳.۴. عدم لزوم حضور معصوم یا اذن او یا نایب خاص یا عام او

از نظر بیشتر فقیهان امامی، حضور یا اذن معصوم برای جهاد ابتدایی امری ضروری است و مشروعیت و وجوب این جهاد متوقف به موافقت و اجازه امام معصوم یا نایب خاص او است و اجازه نایب عام (فقیه جامع الشرایط) کفایت نمی‌کند. این شرط در جهاد دفاعی منتفی است و بدون حضور یا اذن معصوم یا نایب خاص یا عام او جهاد دفاعی مشروعیت دارد (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۰؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۰۹؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۹: ۳۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۸؛ کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴: ۲۹۰؛ عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۸۵؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۸۸؛ منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۱۷-۱۲۱).

برخی فقها در عدم مشروعیت جهاد ابتدایی با حضور فقیه ادعای عدم اختلاف کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۱۳-۱۴). فقیه دیگری علاوه بر مشروع دانستن جهاد دفاعی، این جهاد را در عصر غیبت امام معصوم، افضل از جهاد در زمان حضور معصوم و در رکاب وی دانسته است (قمی گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۷۹).

یکی از معاصرین ضمن پذیرش عدم اشتراط حضور یا اذن معصوم، این نکته را اضافه کرده است: چه بسا دفاع از سرزمین اسلامی بر اجتماع و تشکیلات توقف دارد، در این صورت بایستی رهبر و پیشوایی زمام امور را در دست بگیرد. در این فرض، لزوم رهبر، شرط وجود دفاع خواهد بود؛ نه شرط وجوب دفاع، از این رو، تحصیل این شرط واجب است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۵).

امام خمینی علیه السلام نسبت به این حکم فرموده‌اند:

قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب است؛ به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد (خمینی، بی تا: ۲۳۱).

در تحریر الوسیله آمده است:

دفاع مشروط به حضور امام و اذن او یا اذن نایب خاص یا نایب عام آن حضرت، نیست، پس بر هر مکلفی، بدون هیچ قید و شرطی واجب است؛ به هر وسیله‌ای که باشد، دفاع نماید (همان، بی تا، ج ۱: ۴۸۵).

در استفتائات این گونه مرقوم داشته‌اند: «دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی به هر نحو ممکن بر تمام مکلفین واجب است و مشروط به اجازه نیست» (همان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۹۲).

در بیانات ایشان آمده است:

احدی از علمای اسلام نیست که بگوید دفاع در اسلام نیست. دفاع هیچ احتیاج به یک ولی‌ای ندارد، هیچ احتیاج به یک امامی ندارد. تمام مسلمین اگر یک وقت بنا شد بر ایشان حمله بشود، خودشان باید دفاع کنند، مستقل‌اند در این امر. و کشور ایران مستقلاً و لو اینکه ولی فقیه هم نگوید؛ و لو این که علما هم نگویند- با اینکه می‌گویند آنها هم- مردم مکلف شرعی هستند به اینکه دفاع کنند (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۲۱۶).

۳.۵. وجوب دفاع بر همگان در حد توان

اکثریت قریب به اتفاق فقهای شیعه، وجوب جهاد ابتدایی بر مکلفین را به شرایطی همچون مرد بودن، آزاد بودن (برده نبودن)، داشتن توانایی جسمی و مالی بر جهاد مشروط کرده‌اند؛ اما این

شرایط در جهاد دفاعی منتفی است و در وجوب این نوع جهاد، تنها قدرت و توانایی بر دفاع و مقاومت در برابر دشمن کافی است و هر کس در حد توان بایستی از کیان اسلام دفاع کند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ۲۴۶؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴-۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۹۳؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۰۹؛ علامه حلی، بی تا، ج ۹: ۱۱-۱۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۹؛ قمی گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۸۱؛ سبزواری، ج ۱۵: ۱۰۲).

بر این اساس، این نوع از جهاد بر آزاد و برده، مرد و زن، سالم و بیمار اگر به آنها احتیاج شود، واجب است (صاحب جواهر، بی تا، ج ۲۱: ۱۹). البته بلوغ و عقل از شرایط هر دو قسم جهاد است؛ بلکه شرط عموم تکالیف است، از این رو، جهاد ابتدایی و دفاعی بر کودک و مجنون واجب نیست (خرازی، ۱۳۹۶: ۱۴).

یکی از فقها در این زمینه می نویسد:

جهاد دفاعی، مشروط به شرایط جهاد ابتدایی نیست؛ بلکه معیار در جهاد دفاعی قدرت و عدم ناتوانی است از این رو حضور در لشکر مسلمانان بر هر کس که قدرت بر یاری دارد، واجب است؛ چه نزدیک باشد؛ چه دور باشد (کاشف الغطاء، بی تا، ج ۴: ۲۹۱).

حضرت امام در این زمینه فرموده اند:

قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب است، به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست...؛ بلکه بر تمام افراد توده واجب است، به حکم اسلام از کشور اسلامی محافظت کنند و استقلال آن را پا برجای نمایند (خمینی، بی تا: ۲۳۱).

در بیانات ایشان آمده است:

اگر یک وقت خدای نخواست، یک هجومی به مملکت اسلامی بشود، باید همه مردم، یعنی مرد و زن مسئله دفاع دیگر این طور نیست که تکلیف مال مرد باشد، تکلیف مال یک دسته ای باشد، همه باید بروند و دفاع بکنند از مملکت خودشان (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۲۵).

امروز بر همه ما واجب است که دفاع کنیم. هر کس می تواند جبهه باید برود، هر که نمی تواند در پشت جبهه کمک بکند (همان، ج ۲۰: ۲۵).

دفاع بر هر شخصی در حدود توانایی و امکانات واجب است (همان، ۱۴۲۲، ج ۳: ۴۳).

هر کس به اندازه ای که تواند باید دفاع کند و این دفاع را باید تعقیب بکنیم (همان، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۸۹).

هر کس، هر مقدار قدرت دارد باید دفاع کند از اسلام (همان، ج ۱۳: ۲۵۱).

همچنین نسبت به حضور غیر بالغین در جبهه فرموده‌اند: «بر غیر بالغین شرکت در جبهه

واجب نیست» (همان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۹۴).

۳.۶. وجوب کفای جبهه دفاعی

به طور کلی نحوه تعلق وجوب جهاد بر مکلفین، چه در ابتدایی، چه دفاعی، به نحو کفای است یعنی همه مکلفین، مخاطب وجوب جهاد هستند؛ اما وقتی عده‌ای به مقدار کفایت، بر این فریضة الهی قیام کنند، از دیگران ساقط می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۰؛ همان، بی تا، ج ۲: ۵؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۹۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۲۷۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۸۰؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۴۳۷؛ کاشف الغطاء، بی تا، ج ۴: ۲۹۱؛ قمی گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۴۰ و ۳۷۷).

یکی از فقیهان در این رابطه می‌نویسد: «در وجوب کفای جهاد مخالفی در بین فقهای شیعه؛ بلکه غیر شیعه نیافته‌ام؛ بلکه بالاتر از اجماعی بودن، مسئله از ضروریات است» (صاحب‌جواهر، بی تا، ج ۲۱: ۹)

و نسبت به ادعای وجوب عینی جهاد دفاعی، تعبیر «واضح المنع» به کار برده است (همان: ۴۸). یعنی عدم صحت این ادعا، روشن و بدیهی است. دلیل وجوب کفای جهاد این است که اگر جهاد واجب عینی باشد و بر همه مکلفین حضور در جهاد لازم باشد، زندگی و معیشت مردم تعطیل می‌شود و در نظام اجتماعی جامعه، اختلال ایجاد می‌شود.

امام خمینی نیز در کتاب فقهی خود به کفای بودن دفاع تصریح کرده‌اند (خمینی، بی تا، ج ۱: ۴۸۲). ایشان در بیانات و سخنرانی‌ها نیز وجوب کفای حضور مردم در دفاع مقدس را بارها متذکر شده‌اند (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۳۲۱؛ ج ۱۸: ۳۳۲؛ همان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۹۳).

در توضیح نحوه وجوب دفاع فرموده‌اند:

الآن جبهه‌ها احتیاج به افراد دارد. در جبهه‌ها باید افراد بروند. این یک واجب شرعی- الهی است، منتها واجب کفای. به همه واجب است؛ مگر اینکه به اندازه کفایت حاصل شده باشد. هر که می‌تواند، قدرت دارد، بر او واجب است و اگر به اندازه کفایت به طوری که سران نظامی، از سران پاسداران و سران ارتش و اینها گفتند دیگر احتیاج نیست، آن وقت از همه ساقط می‌شود (همان، ج ۱۶: ۴۶۳).

از آنجا که نحوه اتصاف جهاد به وجوب، وجوب کفای است، دو نکته بر این امر مترتب می‌شود:

۱. ترک جهاد در صورتی برای مکلف رواست که علم یا اطمینان به وجود نیروی کافی در میدان نبرد پیدا کند؛ در غیر این صورت بایستی در میدان نبرد شرکت کند و ترک جهاد مجاز نیست. به عبارت دیگر، اصل تکلیف (جهاد) بر مکلف ثابت شده است و مکلف بایستی از عهده «مکلف به» برآید و آن را امتثال کند و با فرض شک در سقوط «مکلف به» ذمه او همچنان مشغول است و مجرای برائت نیست.

در سؤال از محضر امام خمینی آمده است: اگر انسان شک کند که مجاهدین حق به حد کافی هستند یا نه، آیا شرکت در جبهه بر او واجب است یا نه؟
پاسخ ایشان این گونه است: «تا اطمینان به وجود نیروی کافی در جبهه حاصل نشود، شرکت واجب است» (همان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۹۳).

۲. اگر والدین مسلمان، فرزند خود را از شرکت در جهاد نهی کنند، شرکت در جهاد جایز نیست؛ چراکه در صورت تراحم و وجوب کفایی جهاد و وجوب اطاعت از والدین، اطاعت از والدین مقدم است. این حکم در کتب بسیاری از فقها آمده است (طوسی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۲۷۹؛ علامه حلی، بی تا، ج ۹: ۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۸۱؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۴۴۱؛ کاشف الغطاء، بی تا، ج ۴: ۳۳۸؛ عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۳۸؛ خوبی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۶۷).

بر این اساس، اگر به اندازه کافی در میدان نبرد، نیرو حضور پیدا کند و واجب کفایی امتثال شود، وجوب آن از عهده دیگران ساقط شود، در این صورت، منع پدر و مادر مانعیت دارد؛ اما اگر نیرو به اندازه کافی حضور پیدا نکند و هنوز وجوب متوجه مکلفین باشد، منع پدر و مادر مانعیت ندارد. یکی از معاصرین در استدلال بر این حکم می نویسد:

اگر جهاد دفاعی متعین باشد، منع والدین مانع نیست، به دلیل اهمیت جهاد و حفظ اساس اسلام و مسلمین؛ بلکه اطاعت آنها مشمول نهی در حدیث نبوی ص «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۱۵۴) است (خرازی، ۱۳۹۶: ۷۶).

در استفتائات متعددی از محضر امام خمینی سؤال از منع والدین شده است؛ پاسخ ایشان این است: «تا مادامی که جبهه ها نیاز به نیرو دارند، شرکت در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست» (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۴۹۴-۴۹۶).

۳.۷. وجوب دفاع، بر همه مسلمانان عالم

یکی از مسائل مرتبط به جهاد دفاعی این است که وقتی اسلام و کیان کشور اسلامی در خطر قرار می‌گیرد، وجوب دفاع منحصر در مسلمانان مورد هجوم دشمن نیست؛ بلکه بر تمام مسلمانان در اقصی نقاط عالم دفاع واجب است؛ ولو اینکه از مرزهای نبرد فاصله داشته باشند و دور باشند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۲۴۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۸؛ قمی گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۷۷؛ صاحب‌جوهر، بی‌تا، ج ۲۱: ۱۹؛ خرازی، ۱۳۹۶: ۴۸).

یکی از فقها در این باره می‌نویسد:

بر همه مکلفین حاضر و غائب و بر همه مسلمانان بدون فرق بین مذاهب واجب است به جهت دفاع، به محل معرکه بروند و برای نبرد و جنگیدن مجهز شوند و جان و مال خود را فدا کنند، در صورتی که اهالی مرزی که مورد هجوم قرار گرفته، ضعیف باشند یا تعداد مسلمین کم باشد (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴: ۳۳۶).

امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه می‌نویسد:

اگر یکی از دولت‌های اسلامی در معرض هجوم دشمن اجنبی قرار گیرد، بر همه دولت‌های اسلامی دفاع از آن کشور واجب است به هر وسیله‌ای که ممکن است، همان‌طور که بر دیگر مسلمانان نیز واجب است (خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۴۸۶).

در استفتائات ایشان آمده است: آیا نبرد با دشمن متجاوز بر مردم همان شهر یا کشور واجب است یا بر همه مسلمانان؟ پاسخ ایشان این است: دفع دشمن متجاوز بر تمام مسلمین واجب کفائی است (همان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۹۳).

۳.۸. جریان احکام شهید بر کشته‌شدگان در جنگ دفاعی

یکی از احکام جهاد دفاعی که در کتاب طهارت و میحث غسل مطرح شده است، این است که بر کشته‌شدگان و مقتولان در نبرد دفاعی، احکام شهید مترتب می‌شود، از این رو مقتول در معرکه جهاد دفاعی با لباس رزمش دفن می‌شود و بی‌نیاز از غسل و کفن می‌باشد (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴: ۲۹۰؛ قمی گیلانی، ۱۴۱۳: ۳۷۹ و ۳۹۰؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۸۶؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۸۸).

از عبارت *جوهر الکلام* استفاده می‌شود که در رابطه با شهید سه دیدگاه در بین فقها مطرح شده است:

۱. شهید کسی است که در رکاب پیامبر یا امام معصوم کشته شود؛

۲. شهید کسی است که در رکاب پیامبر یا امام معصوم یا نایب خاص آنها کشته شود؛
۳. شهید کسی است که در جهاد بر حق؛ ولو بدون حضور پیامبر یا امام یا نایب آنها کشته شود، مانند این که دشمنی بر مسلمانان حمله‌ور شود و بر اصل و اساس اسلام، احساس خطر شود. سپس ضمن پذیرش این رأی، آن را به جمعی از فقها همچون محقق حلی، شهید اول و ثانی نسبت داده است (صاحب‌جواهر، بی تا، ج ۴: ۸۷).

یکی دیگر از پژوهشگران نیز در شمول حکم نسبت به کشته‌شدگان در جهاد دفاعی ادعای قطعیت کرده و آن را غیر قابل خدشه دانسته و اجماع برخی از علما بر این حکم را نقل کرده است (همدانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۱۱۵).

دلیل بر این حکم، صحیحه ابان بن تغلب است که در آن، کشته شدن در راه خدا، موضوع برای حکم شهید قرار گرفته است:

الَّذِي يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُدْفَنُ فِي ثِيَابِهِ وَلَا يُغَسَّلُ إِلَّا أَنْ يُدْرِكَهُ الْمُسْلِمُونَ وَ بِهِ رَمَقٌ ثُمَّ يَمُوتُ...؛
کسی که در راه خدا کشته شود در لباسش دفن می‌شود و نیازی به غسل ندارد؛ مگر این که مسلمانان بدن او را بیابند و در او رمقی باشد و بعد از آن از دنیا رود (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۱۰).

در تحریر الوسیلة آمده است:

کسی که در راه حفظ اساس اسلام کشته شود، ملحق به شهید در رکاب معصوم است، از این رو غسل، حنوط و کفن ندارد؛ بلکه با لباسش دفن می‌شود؛ مگر اینکه عریان باشد که در این صورت کفن می‌شود (خمینی، بی تا، ج ۱: ۲۶).

نسبت به کشته‌های دفاع مقدس فرموده‌اند: «کسانی که در جبهه جنگ کشته شوند، غسل و کفن ندارند و اگر خارج جبهه کشته شوند، باید غسل داده شوند و کفن شوند؛ هر چند هر دو شهید هستند» (همان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۵۰۶).

۳.۹. وجوب دفاع تا دفع تهاجم دشمن

یکی از مسائل مرتبط به جهاد دفاعی، مسئله کیفیت دفاع از کشور اسلامی و کیان اسلام است. از آنجایی که گونه تهاجم و حمله دشمن در هر عصری متفاوت است، کیفیت و روش دفاع نیز متفاوت است. در دفاع مقدس، دولت عراق با موشک و توپ، شهرهای ایران را مورد تهاجم قرار می‌داد، غیر نظامیان و زنان و کودکان را به خاک و خون می‌کشید و خسارات بی شماری را بر کشور تحمیل می‌کرد. در چنین وضعیتی به جهت دفاع و جلوگیری از تهاجم بیشتر و بمباران‌های

مکرر دشمن لازم است به کشور مهاجم حمله کرده و بخشی از خاک او را اشغال کرد. این مسئله در اوایل جنگ تحمیلی اتفاق افتاد.

حضرت امام در این رابطه فرموده‌اند: «ما تاکنون یک قدم برای جنگ برنداشته‌ایم؛ اینها همه دفاع است. الآن هم که ما وارد شده‌ایم در خاک عراق، برای دفاع است، نه برای چیز دیگر» (همان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۰۵).

در پاسخ به پرسش درباره علت ورود به خاک دشمن، فرموده‌اند: «هر مقدار که دفاع از اسلام و مسلمین توقف بر آن دارد؛ نه تنها جایز است؛ بلکه واجب و موجب قرب و رضای خداوند است» (همان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۵۱۶).

در تبیین و تعلیل ورود به خاک عراق فرموده‌اند:

بعضی از شهرهای ما و بعضی از زمین‌های ما در دست دشمن است و شهرهای مرزی ما هر روز در زیر توپ‌های دوربرد و موشک‌های دشمن است و بر همه ما واجب است که دفاع کنیم از کشور خودمان. دفاع این است که ما دشمن را تا آنجا برسانیم و برانیم که نتواند با موشک‌های خودش شهرهای ما را بکوبد. رفتن در خاک عراق؛ نه حمله به عراق است؛ دفاع از اسلام و کشور اسلامی است. نظیر این که اگر کسی در خارج منزل شما بایستد، از داخل خانه خودش سنگ‌پرانی کند و موجب خسارت جانی و مالی بشود، اگر شما وارد بشوید در منزل او، شما حمله نکردید به او، شما می‌خواهید دفاع کنید از خودتان (همان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۰۱).

۴. نتیجه

در این پژوهش، بعد از بیان دلائل وجوب جهاد دفاعی، نُه مسئله مرتبط با جهاد دفاعی از دیدگاه فقهای امامیه تبیین و تشریح شد. دفاع ملت ایران در مقابل تهاجم عراق، بدون شک از نمونه‌های جهاد دفاعی است و رهبر کبیر انقلاب امام خمینی این حمله دشمن را رهبری کردند. پدیده دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی، ماهیتی چند بُعدی دارد. ایشان به‌عنوان یکی از فقهای نامدار شیعه و متعهد به فقه جواهری، بعد فقهی این حادثه را تبیین کرده‌اند. بر این اساس، در ذیل هر یک از مسائل نُه‌گانه، آراء امام خمینی نیز تبیین و تشریح شد.

در این مسائل نُه‌گانه، آراء فقهی امام خمینی نسبت به دفاع مقدس مستند، متقن و مبتنی بر فقه جواهری است و از جهت نظری با آراء فقهای امامیه تطابق دارد. ایشان بعد از سال‌های

متممادی به احکام و مسائل فقه الجهاد، بعد عملی و عملیاتی داده‌اند و این رفتار فقهی ایشان قابل تحلیل و الگوبرداری است (یافته پژوهش).

در راستای این مسائل، حکم اسرا و نحوه تعامل با آنها و حکم غنائم جنگی نیز می‌تواند مورد بررسی پژوهشگران قرار گیرد، مسئله مهمی دیگری که جای تحلیل و واکاوی دارد، مسئله حمله پیش‌دستانه به دشمن و دفاع در بیرون از مرزهای کشور اسلامی یعنی دفاع برون مرزی است، این مسئله نیز می‌تواند موضوع پژوهش پژوهشگران، قرار گیرد.

فهرست منابع

- ابن‌براج، عبدالعزیز طرابلسی (۱۴۰۶ق)، المهدب، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ج ۱.
- ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، محقق: موسوی، حسن‌بن‌احمد؛ ابن‌مسیح، ابوالحسن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ج ۲.
- ابو‌الصلاح حلبی، تقی‌الدین بن‌نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین، چاپ اول.
- حرّ عاملی، محمدبن‌حسن (ق ۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه آل‌البتیت، مؤسسه آل‌البتیت، لإحياء التراث، چاپ اول، ج ۱ و ۲ و ۱۵ و ۱۶.
- خرازی، سیدمحمسن (۱۳۹۶)، کتاب الجهاد، قم: مؤسسه در راه حق، چاپ اول.
- خمینی، سیدروح‌الله موسوی (۱۴۲۲ق)، استفتاءات، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ج ۱ و ۳.
- _____ (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ج ۱۰.
- _____ (بی‌تا الف)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار‌العلم، چاپ اول، ج ۱.
- _____ (بی‌تا ب)، کشف اسرار، قم: انتشارات پیام آزادی.
- خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، منهاج‌الصالحین، قم: نشر مدینه‌العلم، چاپ بیست و هشتم، ج ۱.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: داوودی صفوان عدنان، بیروت: دار‌القلم، چاپ اول.

- ساعدی، باقر زامل (١٤٣٣ق)، *الجهاد الدفاعی فی الفقه الامامی*، قم: کوثر، چاپ اول.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (١٤١٣ق)، *مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ج ١٥.
- شهید اول، عاملی، محمد بن مکی (١٤١٧ق)، *الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ج ٢.
- شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی (١٤١٣)، *مسالك الافهام فی شرح الشرائع*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ج ٣.
- (١٤١٠ق)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، ج ٢.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، تحقیق: قوچانی، عباس، آخوندی، علی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ٢١٤.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (١٤١٨ق)، *ریاض المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت □ لإحیاء التراث، چاپ اول، ج ٨.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (١٤٠٩ق)، *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی*، بیروت: مؤسسه الأعلمی، چاپ دوم، ج ١.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ٧.
- (١٤٠٠ق)، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت: دار الکتاب العربی.
- (١٣٨٧ق)، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، تهران: المكتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ج ٢.
- عراقی، آقا ضیاء الدین (١٤١٤ق)، *شرح تبصرة المتعلمین*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ج ٤.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، *تذکرة الفقهاء*، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ج ٩.
- قمی گیلانی، ابوالقاسم بن محمد حسن (١٤١٣ق)، *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات*، مصحح: مرتضی رضوی، تهران: مؤسسه کیهان، چاپ اول، ج ١.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (بی تا)، *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ج ٤.

- محقق حلی، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۱.
- (۱۴۱۸ق)، *المختصر النافع فی فقه الإمامیة*، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة، چاپ ششم، ج ۱.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ج ۷.
- منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق)، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة*، قم: نشر تفکر، چاپ دوم، ج ۱ و ۳.
- همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق)، *مصباح الفقیه*، تحقیق: باقری، محمد؛ نوری، نورعلی؛ میرزائی، محمد؛ جعفریان، سید نور الدین، قم: مؤسسه الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ج ۵.
- یزدی، محمد (۱۴۱۵ق)، *فقه القرآن*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ج ۲.